





مرکز ملی پژوهش‌های اسلامی  
مجلس شورای اسلامی

## نامه بایسنغر

(سال نامه علمی - پژوهشی)

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی بایسنغر

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر خلیل الله افضلی

مدیر داخلی: مسعود امینی

دستیار سردبیر: سیندخت تمنا

پوشه و برگ آرا: حسین علی ابراهیمی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲ خورشیدی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

رویه نامه: عبارت دعایی «هرات صانها الله عن الآفات و النکبات» و نظایر آن نوشته کاتبان گوناگون

نشانی پخش:

■ افغانستان، هرات، شهر نو، ضلع شمالی ارگ، پلاک ۱، ساختمان باغ شهر، مؤسسه پژوهشی بایسنغر

شماره‌های تماس: ۰۰۹۳۷۹۹۸۳۵۱۹۲ | ۰۰۱۴۲۴۵۰۲۹۳۲۱



شماره سوم نامه بایسنغر با حمایت مالی آژانس کمک و همکاری جمهوری ترکیه (تیکا) در هرات منتشر شده است.



مؤسسہ پژوهشی بایسنغر

# نامهٔ بایسنغر

(سال نامهٔ علمی - پژوهشی)

(۳)

۱۴۰۲ خورشیدی

این شماره از مجله در پایگاه اینترنتی مؤسسہ پژوهشی بایسنغر به نشانی زیر قابل دسترس است:

[WWW.BAYSUNGHUR.ORG](http://WWW.BAYSUNGHUR.ORG)



## راه‌نمای نگارش مقاله

۱. مقاله باید حاصل پژوهش علمی نویسنده/نویسندگان دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی و تاریخ خراسان کهن با تأکید بر پژوهش‌های مربوط به هرات باشد و در هیچ مجله یا مجموعه‌ای به چاپ نرسیده یا برای آن‌ها ارسال نشده باشد.
۲. مقاله به ترتیب باید شامل چکیده (۵ تا ۸ سطر) کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (پرسش تحقیق، پیشینهٔ تحقیق، روش و منابع)، بحث و بررسی و نتیجه باشد و از ۱۵ صفحهٔ A۴، ۲۵ سطر تجاوز نکند.
۳. ارسال چکیدهٔ انگلیسی در صفحه‌ای جداگانه همراه با مشخصات نویسنده یا نویسندگان الزامی است.
۴. منابع مورد استفاده در پایان مقاله و براساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده به شرح زیر آورده شود:  
کتاب: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل (۱))، نام نشریه، دوره/سال، شماره، شمارهٔ صفحات مقاله.  
مجموعه‌ها: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل (۱))، نام ویراستار یا گردآورنده، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شمارهٔ صفحات مقاله.  
سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده، تاریخ استفاده از سایت اینترنتی (داخل [ ])، عنوان موضوع (داخل (۱))، نشانی سایت اینترنتی.  
۵. ارجاعات در متن مقاله به صورت پانویس (نام خانوادگی، نام، نام کتاب یا مقاله، تاریخ انتشار، شمارهٔ صفحه) نوشته شود.  
۶. نقل قول‌های مستقیم بیش از ۵ سطر در صورت جدا از متن با فرورفتگی (نیم سانتیمتر) از دو طرف درج شود.  
۷. توضیحات تکمیلی و معرفی منابع بیشتر در پیوند به موضوعات مختلف، در

یادداشت‌های مقاله ارائه شود.  
۸. مقاله بر اساس شیوه‌نامه مؤسسه پژوهشی بایسنگرکه در وب‌سایت مؤسسه قابل دسترس است، تنظیم شود. در صورت لزوم، مجله در ویرایش ادبی مقالات بدون تغییر محتوای آن آزاد است.

## فهرست

- راه‌نمای نگارش مقاله ..... ۵
- سرنامه ..... ۱۱
- بخش نخست؛ جست‌وجو** ..... ۱۷
- پیوند داستان سرایی عامه و مذهب عامیانه: بررسی نقش بی‌بی سستی در ابومسلم‌نامه ..... ۱۹  
دکتر آمنه ابراهیمی
- معروف بغدادی و نخستین فعالیت‌های کارگاه بایسنغر میرزا ..... ۳۹  
دکتر شیوا میهن
- محزّر مجالس العشّاق؛ سلطان حسین بایقرا ..... ۸۳  
دکتر مهدی بیلاقی
- آئینه‌شاهی؛ واکاوی اندیشه مولانا حسین واعظ کاشفی در تکوین مکتب سیاسی هرات ۱۱۱ .....  
دکتر داوود عرفان
- آگاهی‌های تازه درباره‌ی امیر جمال الدین عطاء الحسینی ..... ۱۳۳  
دکتر خلیل‌الله افضلی
- مقایسه‌ی افسانه‌ها و حکایت‌های مقدمه‌ی شاهنامه‌ی بایسنگری با روایت‌های شفاهی ..... ۱۷۳  
دکتر محمد جعفری قنواتی
- پژوهشی در آب‌انبارهای محله‌ی قضاّت در شهر کهنه‌ی هرات ..... ۱۸۵  
غلام‌محمد عاصم و دکتر تتسویا اندو | برگردان از انگلیسی؛ طه آور
- جعفر بایسنگری؛ حیات، هنر و شیوه ..... ۲۰۹  
سید امیر منصوری
- اولنگ‌اولنگ، ترانه‌ی مراسم عروسی مردم هرات ..... ۲۴۷  
دکتر اسدالله شعور



- آرامگاه محمد غازی در فوشنج ..... ۲۸۱  
 دکتر برنارد اوکین | برگردان از انگلیسی: سیندخت تمنا
- تکمله‌ای بر مقاله «آرامگاه محمد غازی در فوشنج» و آخرین مرمت این بنا ..... ۳۱۵  
 سیندخت تمنا
- بخش دوم؛ هرات‌شناسی** ..... ۳۲۷
- تذکره الصالحین یا حصه سوم رساله مزارات هرات ..... ۳۲۹  
 دکتر محمد شعیب مجددی
- مقامات مولانا کلان زیارتگاهی ..... ۳۴۹  
 دکتر عارف نوشاهی
- دو فرمان سلطان حسین بایقرا در آرشیو ملی افغانستان در کابل ..... ۳۷۷  
 دکتر شیوان ماهندرا راجا | برگردان از انگلیسی: معصومه نظری
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ..... ۴۰۱  
 رادک سیکورسکی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ..... ۴۰۹  
 دکتر کریستینا نوله کریمی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب تاریخ هرات از چنگیزخان تا امیر تیمور ..... ۴۱۳  
 دکتر شیوان ماهندرا راجا | برگردان از انگلیسی: سید وهاب فروغ طبیبی
- بازتاب اندیشه‌های جامی در آثار منطقه ..... ۴۲۳  
 دکتر محمد افضلی
- معرفی کتاب قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری ..... ۴۳۵  
 دکتر داوود عرفان
- مرواریدی در هرات ..... ۴۴۳  
 دکتر اسراء السادات احمدی
- کتابخانه‌های آبدان مسجد جامع هرات ..... ۴۵۱  
 دکتر خلیل‌الله افضلی
- از نامه ادبی هرات ..... ۴۵۷  
 عبدالغفور سنگانی
- جایابی باغ نعمت‌آباد و بناهای بازمانده از آن ..... ۴۶۵  
 مسعود امینی
- خانقاه پوران ..... ۴۸۷  
 حمیدالله کامگار





۴۹۵	بخش سوم؛ هریوکان
۴۹۷	پهلوان محمد ابوسعید و ترجمه فارسی رساله حالات پهلوان محمد مقدمه: مسعود امینی   برگردان رساله از ترکی جغتایی: احمد حسینی مروی
۵۲۱	بخش چهارم؛ عرضه داشت
۵۲۳	گزارش کاری مؤسسه پژوهشی بایسنغر
۵۳۳	بخش پنجم؛ تازه درگذشتگان
۵۳۵	غلام حیدر اسیر هروی
۵۳۹	محمد آصف فکرت هروی
۵۴۳	فضل الله زرکوب
۵۴۹	دکتر اسدالله حبیب
۵۵۵	عبدالله سمندر غوریانی
۵۶۵	عبدالکریم تمنا
۵۶۹	محمد شاه واصف باختری
۵۸۱	گزارش مختصری از برنامه های بازسازی دفتر تیکا در هرات

(۲)  
معرفی کتاب



جلد تاریخ و صاف، ۸۳۵ق.، مجموعه کی‌یر، موزه هنر دالاس.

## معرفی کتاب

۱

### نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات<sup>۱</sup>

نویسنده: رادک سیکورسکی<sup>۲</sup>

برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی<sup>۳</sup>

#### مشخصات کتاب

نویسنده: چارلی گامل<sup>۴</sup>

نام کتاب: مروارید خراسان؛ تاریخ هرات

ناشر: انتشارات هرست

محل نشر: لندن

سال انتشار: ۲۰۱۶ میلادی

تعداد صفحات: ۴۶۴

نخستین باری که هر کس هرات را ببیند، هرگز آن شهر را فراموش نمی‌کند. اگر از موارد دیگر بگذریم، دشواری راه رسیدن به این شهر - در یک واحه و دور از دریا، بدون دسترسی به راه آهن و نزدیک به مرز ایران - و چشم‌انداز پنج مناره برج‌مانده از آراسته‌ترین بناهای اسلامی، برای من بسیار به یادماندنی بود. از آن‌جا که مدرنیته بسیار دیر به هرات رسید، سفر به این شهر برای بسیاری از مسافران به دوره‌ای تعلق داشت که جهانگرد انگلیسی، رابرت بایرون، آن را «آسیای بدون عقده حقارت» نامیده است.

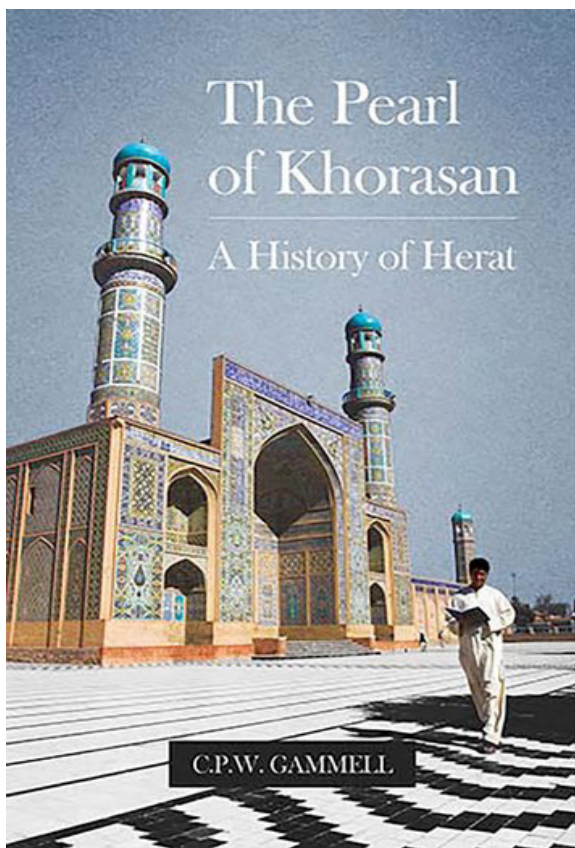
آگست ۱۹۸۷ (مرداد/اسد ۱۳۶۶) در یک روز سوزان، جریان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی بود که برای نخستین بار موفق به دیدار هرات شدم. در آن روزها گزارشگر بودم

۱. «مروارید خراسان؛ تاریخ هرات از چارلی گامل»، مجله امور آسیایی، سال ۴۹، ۲۰۱۸ م.، شماره ۱، صص ۱۱۸ - ۱۲۴؛ دسترسی به نسخه انگلیسی مقاله: <https://doi.org/10.1080/03068374.2017.1362873>

۲. رادک سیکورسکی (به انگلیسی: Radek Sikorski) نویسنده کتاب خاک اولیا، سفر به هرات در زمان جنگ است. او پیش از این وزیر دفاع و امور خارجه لهستان بوده و اکنون پژوهشگر ارشد در دانشگاه هاروارد است.

۳. دانش‌آموخته انسان‌شناسی اجتماعی و پژوهشگر مهمان در مؤسسه انسان‌شناسی اجتماعی در مرکز مطالعات آسیایی و تفرهنگی در دانشگاه هایدلبرگ آلمان - [srezakazemi@gmail.com](mailto:srezakazemi@gmail.com)

4. C. P. W. Gammell



و شش هفته بود که گروهی از مجاهدین را همراهی می‌کردم. مجاهدین اولین موشک‌های استینگر ساخت آمریکا را به منطقه می‌آوردند. ما شب گذشته میان واحه و دشت راه‌پیمایی کردیم و تعدادی از پاسگاه‌های نیروهای شوروی را در گرداگرد فرودگاه دور زده بودیم. هرات در آن هنگام دورترین جبهه از پاکستان بود. من که بسیار خسته شده بودم، به پشت بامی ویرانه رفتم تا به پایگاه چریک‌ها که در خارج از شهر ساخته شده بود و از آن جا به مناره‌ها که در فاصله چندین کیلومتری قرار داشتند، نگاه کنم. مناره‌ها به دودکش‌های یک کارخانه متروکه می‌ماند. با دوربین دوچشمی می‌شد بخش‌هایی از کاشی‌کاری فیروزه‌ای و آجرکاری عسلی‌رنگ مناره‌ها را تماشا کرد.

فضای وسیعی که بین ما و مناره‌ها از دو سو توسط آخرین چنگال‌های رشته کوه پاروپامیزاد محصور شده بود، نماد ویرانی بود. دیوار هیچ خانه‌ای سر جایش ایستاده نبود، هیچ زمینی زیر کشت قرار نداشت، فقط تا چشم کار می‌کرد میدانی وسیع از زمین سوخته بدون هیچ نشانه‌ای از زندگی دیده می‌شد. از دید من به عنوان یک لهستانی، این شهر یادآور ورشو





[پایتخت لهستان] پس از قیام‌ها در سال‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ [طی جنگ جهانی دوم] بود. من هرات را در نهایت بداقبالی در دوران مدرن و در حالی می‌دیدم که اکثر ساکنان آن آواره شده بودند و مساحت مسکونی این شهر به حدود یک مایل مربع کاهش یافته بود. این ویرانی نتیجه مقاومت شدید هرات در برابر رژیم کمونیستی مورد حمایت اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان بود. در مارس ۱۹۷۹ [اسفند/حوت ۱۳۵۷]، هرات اولین شهری بود که در برابر رژیم کمونیستی به پا خاست و نسبت به تمامی ولایات افغانستان بهای سنگین تری نیز پرداخت.

...

این شهر نخستین شهر افغانستان شد که خویشتن را از حاکمیت شوروی [در سال ۱۹۹۲ م. ۱۳۷۱ ش] رها کنید ... در سال ۲۰۰۱ م. ۱۳۸۰ ش.، باز هم اولین شهر افغانستان بود که [طالبان] را از خود بیرون راند. بعد از این زمان هرات شاهد نوعی رستاخیز بوده است ... شهر بازسازی شد، گمرک شکوفا گردید، مکاتب و دانشگاه‌ها باز شد؛ در واقع به مراتب بیشتر از کابل که همیشه در تلاش محدود کردن خودمختاری هرات بود، توسعه یافت ...

اکنون [۲۰۱۸ م. ۱۳۹۷ ش.]. این شهر ظاهراً با این مسأله که جزئی از یک افغانستان واحد است، سازش کرده است و این یک پدیده تازه است زیرا به لحاظ تاریخی، موقعیت جغرافیایی بی نظیر هرات و به هم آمیختگی مذهبی و قومی مردم ساکن در آن، این شهر را نسبت به هر گونه تبعیت سیاسی دایمی بسیار محتاط کرده بود. در دوران نسبتاً مدرن، به نظر می‌رسد که تنش میان فرهنگ فارسی‌زبان هرات و محافظه‌کاری ساکنان سنی‌مذهب آن، این شهر را هم برای افغانستان تحت تسلط پشتون‌ها و هم برای ایران شیعی بیگانه کرده است. از طرف دیگر، همین ابهاماتی که هرات را به مکانی یگانه و ممتاز بدل کرده است، زمینه تاریخی بسیار درازی دارد و این قدمت به طور درخشانی در کتاب *مرورید خراسان؛ تاریخ هرات* از چارلی گامل مستندسازی شده است.

به نظر می‌رسد آگاهی از یک گذشته باشکوه، حس زودگذری رژیم‌ها و اقبال داشتن فرهنگی دلپذیر، و طبیعتی خوش است که مردم را مجذوب هرات می‌کند. دوام این جاذبه - برخلاف شهری به همین اندازه جالب چون بلخ - از موقعیت هرات در کنار رودخانه‌ای بزرگ<sup>۱</sup> (هری رود) با حومه‌ای بایر نشأت می‌گیرد. هری رود و درآمد ضمانت شده از کشاورزی همواره به هرات کمک کرده تا از پس نامالیقات، دوباره به خویشتن سروسامان دهد.

این شهر آموخته که انعطاف‌پذیر باشد و خود را با نظام‌های گوناگون وفق دهد. گامل از تأسیس این شهر توسط یک اروپایی خبر می‌دهد: «نقشه شهر به شمول دیوارها، دروازه‌ها و

۱. نویسنده از اصطلاح «واحه» (فضایی سرسبز در میان صحرا) استفاده کرده است.





بازارهای اصلی زائیده فکر اسکندر مقدونی است که آن را اسکندریه هری<sup>۱</sup> نام نهاد.<sup>۲</sup> شاید به خاطر کمبود منابع معلوماتی، وی کمتر از آنچه من دوست داشتم درباره آن بدانم، درباره تاریخ مرموز و جذاب مسیحیت در هرات می‌نگارد. کلیسای مشرق که به کلیسای نستوری نیز معروف و زمانی دارای تشکیلات گسترده‌ای بوده‌است، حدود سال ۴۲۴ میلادی یک اسقف‌نشین در هرات داشت. در سده ششم میلادی، هرات در واقع مقرّ مرکزی کلیسای حواری مشرق و در سده نهم میلادی، مقرّ کلیسای ارتدکس سیریاک بود. هر جایی که در آن سازمانی از اسقف‌ها و سراسقف‌ها وجود داشته، باید دارای تعداد زیادی از مسیحیان بوده باشد که چنین نهاد وسیعی را تأمین کنند.

ممکن است خراسان که شامل بیشتر قلمرو افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان و بخشی از ایران امروزی می‌شود، برای پانصد سال اساساً مسیحی بوده باشد. چنگیزخان تمام این میراث مسیحی را در دهه دوم سده سیزدهم میلادی از بین برد، تا حدی که هیچ اطلاعاتی که حاکی از حضور مسیحیان در ادوار پیشین باشد در میان جمعیت‌های کنونی ساکن این منطقه باقی نمانده‌است. تنها اثر فیزیکی باقی مانده از مسیحیت نستوری در هرات، مسجد جامع این شهر است که در جهت مکه قرار ندارد و تقریباً به یقین می‌توان گفت که در اول یک کلیسای جامع نستوری بوده‌است. نام شهرستان/الوسوالی انجیل که به عربی/فارسی/پشتو به معنی کتاب مقدّس مسیحیان است، نیز شبحی از آن میراث قدیمی می‌باشد که در مجموع، نمونه‌ای کامل از یک مصداق موفقانه فرهنگی است.

گامل زمانی که قصه روزگار شکوفایی هرات را در پی یک فاتح قلدر دیگر، امیر تیمور، بازگو می‌کند، در بهترین نقش خود به حیث یک مورّخ و نویسنده ظاهر می‌شود. فرزندان تیمور به جای قتل عام مردم، تصمیم گرفتند چادرنشینی را ترک کنند و به زندگی شهری روی آورند. طی بیش از یک قرن از سال ۱۳۸۱ تا ۱۵۱۰ میلادی، هرات همسان رُم و فلورانس بود بلکه هر دو را در خود جای می‌داد. هرات، پایتخت اداری، هنری و دینی امپراتوری‌ای شد که از مصر تا مرزهای چین گسترش یافته بود. در جهانی که امریکا هنوز کشف نشده بود، امپراتوری تیموریان بیشترین منافع تجارت اروپا با چین و هند را تصاحب می‌کرد. منابع عظیم و استعداد های درخشان به هرات سرازیر می‌شد. این شهر در کاشی‌کاری، نگارگری، معماری، شعر و حتی ستاره‌شناسی، کعبه‌ای برای درخشان‌ترین‌ها و بهترین‌ها شد. کسانی چون شاهرخ میرزا، همسر نامبردارش گوهرشاد بیگم، سلطان حسین بایقرا که لقب «محتشم» را باید به وی داد، و ... شایسته آن هستند که به عنوان حامیان هنر به اندازه خاندان مدیچی<sup>۳</sup> [در ایتالیای دوره



1. Alexandria Heri

2. House of Medici



رسانس] یا گایوس مایسیناس<sup>۱</sup> [در رُم باستان] یاد شوند.

شما تا هنوز می‌توانید شعر جامی را بخوانید و به نگاره‌های بهزاد در موزه بریتانیا نگاه کنید، اما عمارت‌هایی که از عجایب هنر اسلامی به شمار می‌آیند، تقریباً همه از بین رفته‌اند. اکثر این بناها طی سده‌های افول هرات ویران شدند. هنگامی که این شهر توسط تمامی آن‌هایی که مابین هند، آسیای مرکزی و ایران لشکرکشی می‌کردند، تخریب شد، بریتانیایی‌ها نیز نقش خود را در این ویرانی بازی کردند و آن زمانی بود که با مشورت آن‌ها مصلاّی سلطان حسین بايقرا که شاید آراسته‌ترین بنایی بوده که تا به حال ساخته شده بود، به خاطر محاصره احتمالی هرات توسط روس‌ها، به آتش توپ بستند و ویران کردند. اکنون تنها چند مناره به جا مانده‌است که یکی از آن‌ها هم در جریان اشغال شوروی تخریب شد و اکنون فقط نیمی از آن باقی مانده‌است.

آقای گامل تأثیرات بازی بزرگ قرن نوزدهم میلادی بر هرات را به طور بسیار عجیبی توصیف می‌کند. تحرکات فرودستان نافرمان‌بردار، بازرگانان جاسوس، اصلاح‌گران، فرستادگان سیاسی، مشاوران نظامی و صوفیان و تقلّب‌کاران از طیف‌هایی‌ست که گامل برمی‌شمارد. خواندن این بخش کتاب که قسمتی از آن پژوهش جدّی و قسمتی دیگر ماجراجویی جالبی‌ست، به خواندن یک رمان جدّاب ویکتوریایی می‌ماند. آنچه که برای این نویسنده حایز اهمیت است دریافتن نقش راهبردی هرات است. او به وضوح درمی‌یابد که در مورد اهمیت نظامی این شهر اغراق شده‌است. به زعم نویسنده بر خلاف هراس و نگرانی بریتانیایی‌ها، گرفتن این شهر لزوماً تهدیدی علیه هند نبوده و بهترین راه حفاظت از آن، مرزگذاری یک منطقه حایل میان هند بریتانیایی و روسیه تزاری است که این امر در واقع به تشکیل کمیسیون مرزی روس - بریتانیا منجر شد و مرزهای شمالی افغانستان را تعیین کردند و این مرزها تا امروز بر جا مانده‌است.

آنچه در مورد هرات صدق می‌کند، در مورد تمام افغانستان نیز صادق است. اهمیت راهبردی این کشور هرگز در خود آن نهفته نبوده‌است. افغانستان تقریباً هیچ چیزی ندارد که ما خواستار آن باشیم، اما خیلی چیزها دارد که ترجیح دهیم از آن‌ها دور باشیم، مثلاً نفت اندک و تریاک فراوان. از طرفی دیگر، امیدها به توسعه ذخایر بالقوه طلا، مس یا لیتیم در میدان بی‌ثباتی و فساد به یأس مبدل شده‌است. برق آبی می‌تواند یک قوّت باشد، اما صادرکردن آن دشوار است. انگور، خربزه، انار و پسته افغانستان بسیار خوش‌مزه است، اما در کالیفرنیا بهتر از آن بسته‌بندی می‌شود.

در حقیقت، افغانستان فقط به عنوان «راهی به جای دیگر» اهمیت دارد. برای شوروی‌ها، راهی به اقیانوس هند و برای ما به عنوان یک منطقه حایل، یا در دفاع از هند یا در جنگ علیه





هراس افکنی؛ و دلیل این امر که داخلی‌ها همواره برنده جنگ‌ها بودند، ارزش حاشیه‌ای این کشور برای خارجی‌ها بوده است. آن‌ها فقط نیاز دارند مزاحمت ایجاد کنند و منتظر بمانند که خارجی‌ها به این نتیجه برسند که اشغال افغانستان به هزینه‌اش نمی‌ارزد. همین محاسبه است تا راهبردی در قبال افغانستان ارائه دهند و چنین راهبردی شناس ایجاد ثبات در این کشور محسوب خواهد شد، این که حکومت مرکزی را به اندازه کافی تجهیز کنند تا شهرها و راه‌های اصلی را کنترل کند و گاه‌گاهی افراد شرور را از ارتفاع سی هزار فوت هدف حملات قرار دهند، اما تصور نکنند که افغانستان به زودی به سوئیس آسیا مبدل شود.

مرورید خراسان تاریخ مسلم یک جغرافیای جذاب، به زبان انگلیسی، برای سال‌های زیادی خواهد بود. کتابی آموزنده، پرعاطفه، باارزش و خواندنی است. اگر قرار باشد کتاب‌ها را به دسته‌هایی که باید نوشته شود و نباید نوشته شود، تقسیم کنیم، آقای گامل کتابی نوشته است که نه تنها ارزش نوشتن دارد بلکه خواندن آن نیز مسرت بخش است. وی حتی توانسته مناقشه‌ای را در مورد منشأ قیام هرات در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۷ش. حل و فصل کند.

از قیام مردم هرات دو روایت داریم که هر دو می‌تواند درست باشد. تحلیلگران استدلال کرده‌اند که سیاست‌های ناکام اقتصادی رژیم خلق توأم با خشونت گسترده و تلاش بدوی در جهت راه‌اندازی یک انقلاب فرهنگی باعث قیام عامه مردم هرات شد، اما ملاحی که در این قیام شرکت کرده بودند، به من در سال ۱۹۸۷م/۱۳۶۶ش. گفتند که آنچه آن‌ها را برآشفت و برانگیخت، مقاله‌ای در روزنامه *اتفاق اسلام* بود که این دروغ کمونیست‌ها را که «خدا جهان را نیافریده، و میمون مبدأ انسان است»، منتشر کرد.

امروزه [۲۰۱۸م/۱۳۹۷ش.] گرچه خشونت‌ها افزایش یافته، اما افغانستان شاهد سعادت‌ی بوده که تاکنون در تاریخ خود ندیده است. بیشتر کودکان آن، دختر و پسر به مکتب می‌روند و زیرساخت‌های آن بهتر از هر وقت دیگری است. بند سلما بر فراز هری رود در هرات شاید مثال خوبی باشد. این بند که ایده آن در دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح و کار ساخت آن در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، نهایتاً با کمک هند در سال ۲۰۱۵م/۱۳۹۳ش. تکمیل گردید که ۷۴۰۰۰ هکتار زمین را آبیاری و ۴۲ مگاوات برق تولید می‌کند. اگر طالبان آن را تخریب نکنند - که قبلاً چنین تلاشی کرده‌اند - یک پیشرفت خوب خواهد بود. خود شهر هرات دیوارها و دروازه‌های قدیمی‌اش را از دست داده است اما روزانه به دبی پرواز دارد. در مناطق حومه شهر که اخیراً اعمار شده ساختمان‌هایی به سبک پاکستان دیده می‌شود و این اثبات می‌کند که ذوق هراتی آن نیست که در گذشته بوده است؛ اما جاهایی هست که خوش‌بختانه طی تمام این آشفتگی‌ها تغییر نکرده است.

اگر با خواندن کتاب جذاب و مفید آقای گامل وسوسه شدید تا از هرات دیدن کنید، در







هنگام غروب به گازرگاه، زیارت انصاری (شیخ شهر) بروید؛ ظاهراً یک ایوان به سبک معماری ایرانی و صحنی با یک قبرستان ارزش غارت شدن را نداشته است. آن جا شما می‌توانید ببینید که روزگاری معماران و بناهای هراتی چه تبخّری داشتند. اگر با خادم آن جا مهربان باشید، ممکن است به شما اجازه دهد از پلکان تنگ به بالای یکی از مناره‌ها و به بام ایوان بروید. همان‌طور که خورشید به سمت غروب در حرکت است، مخصوصاً اگر بادهای صدویست روزه در حال وزیدن باشد، شما منظره‌ای روحانی را خواهید دید و تا آن جا که چشم آدمی توان دیدن دارد، واحه‌ای از مزارات، مساجد و مناره‌ها، پوشیده در هاله‌ای از گرد و غبار نمایان است. شاید بتوانید نگاهی به قلعه اسکندر بیندازید که توسط یونسکو مرمت شده است. آن جا و آن هنگام ممکن است درک کنید چرا یک صوفی قرن‌ها پیش با دیدن چنین منظره‌ای فریاد سر داده که: «این خاک اولیاست!»

